



امام زمان (عج)، نوستالوژی آینده‌گرا در اشعار سلمان هراتی

دکتر احمد غنی‌پور ملک‌شاه^۱ رضا عبادی جام‌خانه^۲ علی اصغر خوشه‌چرخ^۳

چکیده

نوستالوژی nostalgia را می‌توان به طور خلاصه، یک احساس درونی تلخ و شیرین نسبت به اشیاء، اشخاص و موقعیت گذشته تعریف کرد. احساس نوستالوژی از نظر روان‌شناسان، نتیجه حسرت بر گذشته، یادآوری خاطرات کودکی و نوجوانی، احساس غربت، مرگ اعضای خانواده و حسرت آرمان‌شهر و گذشته تاریخی است. نوستالوژی در ادبیات، رفتاری است که معمولاً ناخودآگاه در شاعر یا نویسنده بروز می‌کند و متجلی می‌شود و از همین رو، اهمیت سبک‌شناختی پیدا می‌کند. نوستالوژی در چارچوب سبک‌شناسی مؤلف‌مدار به ویژه هنگام بررسی روان‌شناختی اثر، بسیار اهمیت می‌یابد. در بررسی‌های جدید ادبی، نوستالوژی را به دو گونه شخصی و اجتماعی تقسیم می‌کنند. نوستالوژی در ادبیات دوره معاصر، نمود بیشتری یافته است، چرا که سرخوردگی‌های اجتماعی، عشق و دوری از وطن، شکست‌های سیاسی، بی‌عدالتی و فقر عمومی و بیماری‌های اجتماعی نیز از عوامل پدیدآورنده این حس فردی - جمعی است، چنان که در اکثر اشعار شاعران معاصر ایران دیده می‌شود. این پژوهش نیز بر آن است، مبانی نظری و مفهوم نوستالوژی را در دو محور نوستالوژی فردی و جمعی و نیز عوامل نوستالوژی انتظار و آینده‌گرا را در اشعار ادبیات شاعران دوره معاصر ایران به ویژه سروده‌های سلمان هراتی در ارتباط با امام زمان (عج) بررسی و تحلیل نماید. اشعار مطرح شده سلمان هراتی، موضوعاتی است که توجه کافی به آنها در عصر جهانی شدن، زمینه را برای جهانی‌سازی و درک اندیشه نجات‌بخش مهدویت هموار می‌کند. آنچه ضرورت دارد، این است که اولاً، مبانی و اصالت این تفکر، بازشناسی و تبیین شود. ثانیاً، ابعاد، جامعیت و جذابیت اندیشه ظهور منجی در تفکر شیعی و در اشعار شاعران معاصر از قبیل سلمان هراتی برای جهانیان و شیعیان معرفی گردد.

واژگان کلیدی: نوستالوژی، شعر معاصر ایران، امام زمان (عج)، انتظار، سلمان هراتی

۱- استادیار دانشگاه مازندران. رایانامه: ghanipour48@gmail.com

۲- مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی بهشهر.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه مازندران.

۱- مقدمه

توجه به مسائل اجتماعی و بازتاب آن در شعر، سخن تازه‌ای نیست. ادبیات کلاسیک ما، سرشار از نمونه‌هایی درخشان است که بیان‌کننده تعهدات اجتماعی شاعر نسبت به مسائل جامعه و سیاست است. اشعار مسعود سعد سلمان، ناصر خسرو، استاد توس، حافظ و عبید زاکانی، نمونه بارز آن است. در ادبیات معاصر به دلیل تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران، شاعران با طرح مسائل اجتماعی جامعه، طرحی نو در انداختند و داد سخن دادند. جایی که نیما در باب انسان آرمانی‌اش و زمان آمدن او، چنین سخن سر می‌دهد: «وقت است نعره‌ای به لب آخر زمان کشد / نیلی در این صحیفه بر این دودمان کشد / سیلی که ریخت خانه مردم رهم چنین / اکنون سوی فرازگهی سر چنان کشد / برکنده دارد این بنیان سُست را / بردارد از زمین هر ندارست را...» (حقوقی، ۱۳۷۸ ش: ص ۱۷۶). در جایی دیگر، انسان آرمانی‌اش را چنین توصیف می‌کند: «او، نشان از روز ظفرمندی ست / با نهان تنگنای زندگانی دست دارد / از عروق زخم‌دار این غبار آلوده ره تصویر بگرفته / از درون استغاثه‌های رنجوران / در شبانگاهی چنین دلتنگ می‌آید...» (یوشیج، ۱۳۷۵ ش: ص ۶۰۶).

اوج نوستالوژی اجتماعی در اشعار ادبیات معاصر در چنین روزگاری، نطفه بست و نیما، پرچمدار آن است. اشعار شاعران، تبلور فریاد کسانی بود که با کوچکی پیوند نداشتند و بزرگی دوباره کوچک‌شدگان را نیز باور نمی‌کردند، تبلور فریاد کسانی که عقربه‌های آرزوهایشان با چنین جهانی، همخوانی نشان نمی‌داد. بر اساس نوستالوژی اجتماعی، شاعر به موقعیت اجتماعی خاصی که به آن توجه دارد، می‌پردازد و اوضاع سیاسی - اجتماعی زمانش را به نقد می‌کشد. در پیدایش نوستالوژی اجتماعی در اشعار شاعران معاصر، عواملی چون بی‌عدالتی و فقر، محرومیت‌های مادی و طبیعی، تبعید و کوچهای دسته‌جمعی، تقدیر زمانه و روزگار، استبداد و آزادیخواهی، جریانهای سیاسی، تأثیری به سزا داشته است. مسائل فوق‌منجر به آن شد تا هویت‌های مذهبی در ادبیات معاصر، جایگاهی ویژه یابد و شاعران برای به تصویر کشاندن آرمان شهرهایشان از این هویتها استفاده نمایند. یکی از این هویتها در اشعار شاعران، امام زمان (عج) است تا جایی که به صورت نوستالوژی آینده‌گرای ایرانیان در تمامی ابعاد سیاسی، مذهبی و ادبی مبدل شد. در این تحقیق، رویکرد ادبی - فرهنگی آن در اشعار سلمان هراتی بررسی خواهد شد. روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش تاریخی - تحلیلی است تا به بررسی سؤال اصلی تحقیقمان، (امام زمان عج)، نوستالوژی آینده‌گرا در چشم‌انداز ایرانیان، بررسی موردی ادبیات معاصر، ایران اشعار سلمان هراتی) بپردازد.

۲- نوستالوژی (مفاهیم نظری و پیشینه تحقیق)

۱-۲: ریشه‌شناسی نوستالوژی

نوستالوژی (nostalgia)، یک واژه فرانسوی است که از دو سازه یونانی (nostos = بازگشت) و (alogos = درد و رنج) تشکیل یافته و معنی آن، «بازگشت درد و رنج» است، ولی حاصل معنای این اصطلاح با توجه به مفهوم متنوع آن در فرهنگ علوم انسانی بدین صورت است: «غم غربت، حسرت دلتنگی به گذشته و اشتیاق مُفرط برای بازگشت به گذشته، احساس حسرت و دلتنگی برای وطن، خانواده، دوران

خوش کودکی، اوضاع خوش سیاسی، اقتصادی، مذهبی و...» (آشوری، ۱۳۸۰ش: ذیل واژه نوستالوژی) در فرهنگ برابره‌های ادبی «یاد و دروغ، غم غربت = nostalgia» بیان شده است (حسینی، ۱۳۸۰ش: ص ۱۱۱). در فرهنگ فرانسه، ذیل واژه nostalgia می‌نویسد که «حسی که به وسیله میل بسیار به دیدار دیار خود تولید شود = nostalgia» (اعتمادیان، ۱۳۶۱ش: ص ۴۳۶). در فرهنگ فارسی - ایتالیایی ذیل واژه دل‌تنگی لغت deitangi و deitang ایتالیایی را آورده است. (دل می‌ستروس، ۱۳۵۸ش: ص ۳۲۶). نوستالوژی در ادبیات، رفتاری است که معمولاً ناخودآگاه در شاعر یا نویسنده بروز می‌کند، مُتَجَلّی می‌شود و از همین رو، اهمیت سبک‌شناختی پیدا می‌کند. نوستالوژی در چهارچوب سبک‌شناختی مؤلف مدار به ویژه هنگام بررسی روان‌شناختی اثر، بسیار اهمیت می‌یابد. (انوشه، ۱۳۷۶ش: ص ۱۳۹۶). در سال ۱۳۸۸م این واژه برای نخستین بار در پایان‌نامه رشته پزشکی یوهانس هوفر، دانشجوی سوئسی ظاهر شد که می‌خواست با ابداع آن، حالت غمگین شدن ناشی از آرزوی بازگشت به سرزمین بومی را توضیح دهد. در میان نخستین قربانیان این بیماری تازه تشخیص داده شده در قرن هفدهم، آدم‌های خانه‌به‌دوش و دور از وطن مختلفی بودند، از جمله دانشجویان آزادیخواه جمهوری برن در شهر بازن، کارگران و خدمتکاران بومی که برای کار به فرانسه و آلمان رفته بودند و سربازان سوئسی که خارج از کشور خود می‌جنگیدند، می‌گفتند که نوستالوژی، پرخاشگری بی‌موردی تولید می‌کند که موجب می‌شود شخص مبتلا به آن، ارتباطش را با زمان حال از دست بدهد و آرزوی رسیدن به سرزمین بومی، تنها دل‌مشغولی آنان بوده است. (تقی‌زاده، ۱۳۸۰ش: ص ۲۰۲).

۲-۲: تعاریف

نوستالوژی از دیدگاه آسیب‌شناسی روانی به رؤیایی اطلاق می‌شود که از دوران گذشته پراقتدار نشأت بگیرد، گذشته‌ای که دیگر وجود ندارد و باسازی آن ممکن نیست. (شریفیان، ۱۳۸۷ش: ص ۲۰۷). غم گنگ و گمنام که در سال‌های شکندگی جوانی، گریبان آدم را می‌گیرد، در شعر شاعران به صورت شکوه و شکایت از روزگار پدید می‌شود. (آشوری، همان: ص ۱۴۷). ژرف‌ساخت نوع ادبی گلایه و شکایت، پروتوتایپ حسرت به دوران اساطیری و اهورایی و عصر نور است که فطری بشر است (شمیسا، ۱۳۸۷ش: ص ۲۴۸).

۳-۲: رابطه نوستالوژی و ادبیات

در چند دهه اخیر، نقد روانکاوانه از پویاترین و پرکاربردترین رویکردهای نظریه ادبی معاصر بوده است، اما پژوهشگران ما در عرصه نقد ادبی از یک طرف، کمتر به این نقد پرداخته‌اند، و از طرفی دیگر، تحقیقات محدود آنها، بیشتر به آثار درون‌گرایانه و پررمز و رازی چون «بوف کور» و مکاتب خاصی مانند سورئالیسم منحصر بوده است. هنر به طور عموم و شعر و ادب علی‌الخصوص، عبارت از تناسب و هماهنگی درونی و ذهنی است که بین وسائط و قوای معرفت حاصل می‌شود و در ظرف احساس تجلی می‌نماید. (زرین‌کوب، ۱۳۸۸ش: ص ۸۱).

نوستالوژی در ادبیات، رفتار ناخودآگاهی است که از شاعر یا نویسنده سر می‌زند و در مؤلفه‌های

گوناگون در آثار آنان به ظهور می‌رسد. این اصطلاح از آسیب‌شناسی روانی psyconpathology وارد ادبیات شده است و نقد روانکاوی (از شاخه‌های نقد ادبی) بررسی این مفهوم را در آثار ادبی بر عهده دارد. روان‌شناسی از چند طریق می‌تواند به وادی هنر و ادبیات وارد شود: مطالعه فرایند خلاقیت و آفرینش، بررسی نوع آثار و قوانین آنها، بحث درباره هنرمندان و زندگی و شخصیت آنها و سرانجام از طریق مطالعه ارتباط آثار با مخاطبان. (امین‌پور، ۱۳۸۳ش: ص ۱۳۷). تاریخ روانکاوی و نقد ادبی روانکاوانه در جهان با فروید و نقشه‌ای تازه که او در سپیده دم قرن بیستم از روان کشید، آغاز می‌شود. (یاوری، ۱۳۷۴ش: ص ۲۲). نوستالوژی در نقد روانکاوانه می‌تواند از دیدگاه فروید (عقد ادیپ) و از دیدگاه یونگ (ناخودآگاه جمعی) مورد بررسی قرار بگیرد. فروید نشان داد که چگونه برون ریختن تعارضات نهفته روانی و آشکار شدن آرزوهای سرکوب‌شده از تنش و فشار روانی ما کم می‌کند و تأثیر روان - درمانی دارد (صناعی، ۱۳۴۸ش: ص ۱۲۱). به گفته فروید، خاستگاه آفرینشگری در تعارضی است که در ذهن ناخودآگاه (نهاد = id) وجود دارد. ذهن ناخودآگاه، دیر یا زود، راه حلی برای این تعارض می‌یابد. اگر راه حل، خود برون‌نگرا باشد، یعنی، فعالیت را تقویت کند که به وسیله خود یا بخش آگاه شخصیت تعیین شده است، نتیجه آن در رفتار خلاق آشکار می‌شود و اگر راه حل یادشده با خود مغایرت داشته باشد، آن را واپس می‌زند، یا به صورت روان‌نژندی ظاهر می‌شود. بنابراین، آفرینشگری و روان‌نژندی از منبع مشترکی که همان تعارض در ناخودآگاه است، تغذیه می‌کنند. (امین‌پور، همان: ص ۱۴۰). در روانکاوی فروید، رفتار خلاق به ویژه در هنرها غالباً جانشینی برای بازی کودک و ادامه آن است. در نتیجه، آفرینشگری، نوعی تکرار تجربه‌های کودک کی قلمداد می‌شود. (امین‌پور، همان: ص ۱۴۰)

بنابراین به گفته «غیاثی» می‌توان این گونه بیان کرد که «از آن جایی که روانکاوی و ادبیات، هر دو با تجربه زبان، گفتار و حوزه خیال سر و کار دارند، روابطشان با یکدیگر قهری می‌نماید، زیرا ادبیات با غور در اقلیم درون و کوشش در بیان این عوالم، کمک شایانی به پیشرفت روانکاوی کرد. از این رهگذر، روانکاوی توانسته است از مرز آسیب‌شناسی روانی در گذرد و به پردازش نظریه‌های آفرینش هنری برسد. آفرینش ادبی، یک رفتار است. هر اثر مانند معلول عینی روان‌شناختی است که یک روایت دارد و یک محتوای نهان و اثر ادبی عملاً فراافکنی زمینه روانی نویسنده است.» (غیاثی، ۱۳۸۲ش: ص ۱۶۸-۱۶۹).

۲-۴ تقسیم‌بندی مفهوم نوستالوژی

۲-۴-۱: بر مبنای خاستگاه آن

در بررسی جدید ادبی، نوستالوژی را به دو قسمت شخصی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کنند (شاملو، ۱۳۷۵ش: ص ۱۱). در این تقسیم‌بندی مشخص می‌شود که نوستالوژی، برآمده از فرایند درونی یک فرد است یا نتیجه تحولات درونی یک گروه یا جامعه است:

- ۱) نوستالوژی شخصی (فردی): حسرتی را که هر انسان در زندگی خود به خاطر سوگ عزیزان، از دست رفتن لحظات خوش گذشته، از دست رفتن معشوق و... دارد و زاده فطری بشر است.
- ۲) نوستالوژی اجتماعی (جمعی): نوستالوژی که یاد کردن آن از زبان شاعر، درد همگانی را در اذهان

زنده می‌کند، مانند مرگ افراد بزرگ یک جامعه، از دست رفتن موقعیت طلایی یک جامعه و جز آن.

۲-۴-۲: بر مبنای تقدّم و تأخّر زمانی

(۱) نوستالوژی آینده‌گرا:

حسرت ناشی از ناکامی در رسیدن به آرمان‌شهر (همان مدینه فاضله در اندیشه افلاطون)، آرزوی دست نیافتنی شاعر و.... آرمان‌شهر، جایی دست‌نیافتنی است که تصوّر آن همواره در افق آرزوی بشر، نمونه خیر برین بوده است (اصیل، ۱۳۸۱ش: ص ۱۸). «در هنر، آدم در جستجوی آن جایی است که آرزو دارد باشد، ولی نیست.» (شریعتی، ۱۳۶۶ش: ص ۷۶). شاید آرزوی بازگشت به شهر طلایی و بهشت گمشده در گذشته و طولانی بودن عمر گذشتگان که خود نوعی حقانیت برای آنها ایجاد می‌کند، موجب مقدّس شدن گذشته و متعلّقات آن است. (امین‌پور، همان: ص ۱۵۸) این گونه نوستالوژی در اشعار: نیما، شفیعی کدکنی، مولانا (در غزلی با ردیف آرزوست)، طاهره صفارزاده، فروغ، قیصر امین‌پور قابل پی‌گیری و مشاهده است.

(۲) نوستالوژی گذشته‌گرا: حسرت دوران خوش گذشته (کودکی)، دوری از وطن و زادگاه، از دست

رفتن موقعیت طلایی و....

۲-۴-۳: بر مبنای میزان تداوم

(۱) نوستالوژی آنی: وقتی رنج و الم بالا می‌گیرد، بی‌اختیار از جان رنجور فریاد برمی‌خیزد و این امر، طبیعی است و می‌بینیم که مردم به وقت دلتنگی شکایت می‌کنند و هنگام بیماری، ناله و زاری برمی‌کشند و به وسیله ناله و شکایت، آلام خود را تسکین می‌دهند. (فروزانفر، ۱۳۸۶ش: ص ۳۸).

(۲) نوستالوژی مستمر: نوعی از نوستالوژی که در وجود بعضی از افراد، ویژگی شخصیتی، و در دیوان بعضی از شاعران، ویژگی سبکی به حساب می‌آید. هنر شاعرانه، آن است که شاعر بتواند بر خلاف دیگر به کاربرندگان زبان، حال خود را تصویر کند. (آشوری، همان: ص ۱۱۷).

۵-۲: مهم‌ترین مبانی پیدایش نوستالوژی

– غم دوری از وطن: آنچه در پیدایش احساس غربت، نقش اساسی دارد، همان جدایی از محیط خانه است.

– غم غربت ناشی از مهاجرت: گاهی در زندگی به خاطر بعضی از مسائل انسان از وطن خود فاصله می‌گیرد که این دوری، تصوّراتی را در ذهن انسان به جنبش در می‌آورد. در نتیجه، آدمی بی‌آن که بخواهد، اندوهگین و غمناک است؛ مثلاً، غم و اندوه مهاجرین مکه هنگام ورود به شهر مدینه، غم و اندوه شاعران ما هنگام ورود به هند در دوره سبک هندی، غم و اندوه شاعران مشروطه در سفر به کشورهای دیگر و....

– حسرت دوران خوش گذشته (دوران خوش کودکی، شرایط مطلوب سیاسی، اقتصادی و....)

– حسرت سوگ عزیزان: حسرت سوگ افراد مختلف در شاهنامه و اشعار فریدون مشیری.

– حسرت از دست رفتن جامعه آرمانی (رویکرد گذشته‌گرا)

— ناکامی در رسیدن به جامعه آرمانی (رویکرد آینده گرا) انسان‌ها در ذهن خود یک جامعه آرمانی و مطلوب و مورد نظر دارند که گاهی برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، ولی ناکام می‌مانند که این ناکامی در وجود شاعر حس یأس و اندوه را به دنبال دارد.
— ناکامی در زندگی شخصی: (پروین اعتصامی، فروغ و...) —
— نزدیک شدن به مرگ، زوال پیری و درد جسمانی و تقدیر و زمانه در نگاه شاعران.

۶-۲: مهم‌ترین جلوه‌های نوستالوژی در حوزه زبان شعری

۶-۲-۱: واژه

یکی از ابزارهای اصلی هر شاعر در بیان حالات و عواطف و احساسات، واژه است. واژه‌ها از لحاظ ایجاد حس تأثیر در مخاطب یکسان نیستند، مثلاً، واژه سبب، بسیار پرنشاط‌تر از واژه گِردو است. در تحلیل سبک‌شناختی معمولاً طیف واژگان (diction) یک شاعر را یکی از عوامل شکل‌دهنده سبک به شمار می‌آورند. (فتوحی، ۱۳۸۵ش: ص ۵۰). واژه از ابزارهای زبانی است که شاعر برای بیان حالات و عواطف و احساسات از آن استفاده می‌کند و خاستگاه بار معنایی واژه و ترکیبات به کاررفته در یک شعر، ذهن شاعر است.

۶-۲-۲: رنگ

رنگ، بازتابی از احساسات انسان و کلامی گویا برای بازگو کردن خُلق و خو و کلید ورود به ساختار شخصیتی هر فرد است و بدون واسطه، مفاهیم عمیق درون انسان را بیان می‌کند. چنان‌که ترجیح یک رنگ بر دیگر رنگها، روشن‌گر شخصیت و حالات روحی یک فرد است، بنابراین، رنگ، شناسنامه احساس فرد است که در بردارنده خواسته‌ها و سرشت اوست. (فلمار، ۱۳۷۶ش: ص ۱۲-۲۴). در شعر شاعران ابتدایی، توجه به رنگ، ابتدایی‌ترین طرز توجه به اشیا است. رنگ، مهم‌ترین عنصر تصویرهاست. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶ش: ص ۲۸۰).

۶-۲-۳: تصویر

یکی از نمونه‌های نوستالوژیک در زبان شعری، تصویر است. استفاده از نمادهای اساطیری و بیان اسطوره‌ای در ساختن تصاویر شعری، نشان از حس اندوهبار و آرکائیسیم درونی شاعر است، البته «پیدا است که در بررسی عنصر خیال در شعر هر شاعری یا دوره‌ای، ناگزیریم به مسائل روانی، اجتماعی، فردی، اقلیمی و جغرافیایی و محل زندگی توجه داشته باشیم». (همان: ص ۳۹۴).

۶-۲-۴: تخلص

شاعری بی‌شک دو عامل معنایی و موسیقایی در انتخاب تخلص شعری، سرنوشت‌ساز بودند. (همان: ص ۸۲). از حمله مغول به بعد هرچه حوزه تاریخی و جغرافیایی شعر فارسی، گسترش می‌یابد، این بار غم و محرومیت بیشتر وارد تخلصهای شعر فارسی می‌شود، علاوه بر عامل جنگ، ورود شعر فارسی به سرزمین هند، (از آن جایی که هندیان آدمهای غم‌پرستی بودند) نظام سلطه و حاکم استبدادی در ایران، ممنوعیت روابط زن و مرد در محیط اجتماعی، تصوف و عرفان نیز در این رنج و محرومیت بی‌تأثیر نبودند.

(همان: ص ۸۵).

۳- انتظار

کلمه «انتظار»، مصدر ثلاثی مزید از ریشه (ن، ظ، ر) است. این واژه و مشتقات آن در منابع لغت به معنای «چشم دوختن، با تأمل نگاه کردن». «الْإِنْتَظَارُ: تَأَمُّلُ الشَّيْءِ بِالْعَيْنِ»، (جوهری، ۱۲۷۰ق: ج ۲، ص ۸۳۰). «نظاره گر بودن، توقع امری را داشتن و مراقب بودن»، «يُقَالُ: نَظَرْتُهٗ وَانْتَظَرْتُهٗ إِذَا ارْتَقَبْتَ حُضُورَهٗ» (زبیدی، ۱۹۹۴م: ج ۷، ص ۵۳۹). آمده است. انتظار، به معنای مطلق «چشمداشت و چشم به راه بودن»، فی نفسه ارزش ذاتی ندارد، بلکه این چشم به راهی و انتظار، باید با توجه به موضوع آن، مد نظر قرار گیرد که به تناسب متعلق خود، دارای ارزش متفاوتی خواهند بود. در اصطلاح روایات منقول از امامان معصوم (ع) کاربرد کلمات «انتظار» و «منتظر» نوعاً با واژه‌های «ظهور» و «فرج»، قرین و همراه است و مراد از آن، معنای اخص کلمه؛ یعنی، «چشم به راه بودن و توقع داشتن ظهور منجی موعود حضرت مهدی (ع) در آخر الزمان است». انتظاری که به وسعت همه تاریخ است و ریشه در جان همه انسانها دارد و هیچ انتظار دیگری با آن برابری نمی کند.

۳-۱: ویژگیهای مهم انتظار

در این جا به ویژگیهای مهم و اساسی انتظار ظهور مهدی (ع) اشاره می کنیم:

۳-۱-۱: حیات

انتظار در درجه نخست، حیات و زندگی را در پی دارد. ماهیت زندگی ایده آل در جوامع بشری و آنچه که انسان نیازمند آن است، با مفهوم انتظار و امید به آینده ارتباط مستقیم دارد. به گونه‌ای که بدون انتظار، زندگی مطلوب مفهومی ندارد «أَكْثَرُوا الدُّعَا بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ فَرْجَكُمْ...» (ابن بابویه، ۱۳۸۷ش: ج ۲، ص ۴۸۵) نشان‌دهنده این است که حیات، زندگی و آنچه که موجبات آسایش و گشایش در امور دنیا و آخرت می شود، در پرتو چشم انتظاری و امید به رهایی، قابل دسترسی است.

۳-۱-۲: همدلی

یکی دیگر از ویژگیهای مهم انتظار، حالت پیوند و هم سویی و همدلی با امام (ع) است. غفلت از انتظار و معنای صحیح آن، باعث بی خبری و بی احساسی نسبت به امام رثوفی است که به این پیوند و هم سویی خبر داده است: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ نَزَلَ بِكُمْ الْبَلَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ» (طوسی، ۱۳۸۷ش: ص ۱۱۴) «ما شما را به حال خود رها نکرده، و یاد شما را فراموش ننموده‌ایم و اگر چنین بود بلاها بر شما نازل می شد و دشمنان، شما را هلاک می کردند.»

۳-۱-۳: عظمت

بشر در جریان زندگی به طور طبیعی دارای انتظارات و اهداف گوناگون است که در بسیاری از موارد، حیات فردی و اجتماعی، به تحقق و استمرار این انتظارات، وابسته می باشد. در این میان، انتظار ظهور مهدی (ع)، دارای این ویژگی است که علاوه بر گستردگی و جذابیت آن، از حیث ماهیت چنان بزرگ و

با عظمت است که سایر انتظارات بشری به هر اندازه بزرگ و با اهمّیت، در مقایسه با آن، ناچیز و بی مقدار به نظر می رسد، زیرا این انتظار، چنان سترگ و فراگیر است که همه انتظارات مقدس و انسانی را در بر می گیرد. انتظار ظهور مهدی (عج)، انتظاری است که در طول تاریخ، پیامبران الهی (ع) آن را نوید داده اند و بشریت، قرن‌ها و نسل‌ها چشم به راه چنین روزی نشسته است تا شاید وعده الهی فرا رسد و همه آرزوهای بلند و دیرین انسانیت به بار نشیند. همان چیزی که پیامبر اکرم (ص)، در توصیف منتظران ظهور فرزندش مهدی (ع) فرمود: «طَوْبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتِيهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَاكَ مِنْ رُقُقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ص ۷۲) «خوشا به حال کسی که زمان قائم اهل بیت من را درک کند، در حالی که قبل از فرا رسیدن قیام او در زمان غیبتش، پیرو او بوده و دوستانش را دوست داشته و با دشمنانش به دشمنی برخاسته باشند. چنین کسی در بهشت، جزء رفیقان و همراهان من و مورد مهر و محبت من هستند و روز قیامت نزد من، گرامی ترین افراد امت من خواهند بود.»

۳-۱-۴: گستره

انتظار ظهور منجی موعود از نظر گستره زمانی، دامنه دارترین آموزه دینی - تاریخی است که تمام قلمرو تاریخ را اعم از گذشته، حال و آینده، در بر می گیرد. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/۱۰۵) «ما در کتاب زبور بعد از ذکر تورات نوشتیم که حتماً بندگان شایسته ام حکومت بر زمین را به ارث خواهند برد.» و «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور/۵۵)، «خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها، خلافت روی زمین را بخشید، و دین و آیینی را که برای آنان پسندید، پا برجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت.»

۳-۱-۵: جذب

ویژگی دیگر انتظار ظهور مهدی موعود (ع) جذب روزافزون و کشش فوق العاده این آموزه الهی و قرآنی در گذر زمان است. این ویژگی که متأسفانه تا حدی مغفول مانده و کمتر بدان توجه شده، موجب گردیده است تا انتظار ظهور در فرایند تاریخ، چنان شورانگیز و عشق آفرین باشد که نه تنها مثل دیگر رویکردهای تاریخی، دچار روزمرگی، تکرار، ملالت، کهنگی و فرسودگی نمی شود، بلکه هر روز، بر افروخته تر، جذاب تر و تابنده تر از گذشته، جلوه گری می کند و صفوف مشتاقان و منتظران امروز و فردا، افزون تر و پر صلابت تر از دیروز می گردد.

۴- تحلیل سبک شناختی فکری اشعار هراتی

محتوای اشعار هراتی درباره امام زمان، نوستالوژی آینده گرای انتظار است. اکثر اشعار هراتی که در

این زمینه سروده شده، در کتاب «از آسمان سبز» به طبع رسیده است. در این اشعار، مباحث فکری چندان متفاوت و متنوعی دیده نمی‌شود و محور عمودی خیال، واحد است: انتظار مهدی (عج)، اما افکار شاعر را به طور کلی این گونه می‌توان بررسی نمود:

۴-۱: انتظار فرج

در تمامی ادیان و مذاهب الهی همواره از مسأله انتظار و موعود گفتگو شده است و در هیچ یک از این ادیان نفی نگشته است. مسلمانان به ظهور امام موعود حضرت ولی عصر (عج) ایمان وافر دارند. و همچنین پیروان حضرت مسیح بر این باور هستند که روزی حضرت مسیح دوباره ظهور خواهد کرد و برخی نیز بر این عقیده می‌باشند که حضرت مهدی (عج) و حضرت مسیح (ع) با هم ظهور خواهند نمود. سلمان هراتی در اشعارش، بارها به مهربان بودن امام عصر (عج) و این که ما همواره محتاج محبت بی‌دریغ او هستیم، اشاره می‌کند. در اشعار او نیز جابه‌جا از غنچه نرگس و انتظار و آفتاب مسلمانان یاد می‌شود و در یک تصویرپردازی عارفانه-عاشقانه میان این مهربانی و عشق و انتظار پیوند برقرار می‌گردد. شعر هراتی، جویبار زلالی از صداقت، صفا، صمیمیت و معنویت معصوم است. (هراتی، ۱۳۷۲: ص ۳۲). سلمان می‌داند که چیزی را گم کرده است و نشانی اندک از گم شده خود دارد، ولی باز او را می‌طلبد و از هر جا و در همه حال محبوب خود را می‌جوید. محبوب و مطلوب او در این شعر نوستالوژی آینده‌گرایش، امام عصر می‌باشد.

۴-۲: سادگی در شعر

مرحوم هراتی، شاعری بود که خود را مقید به آرایش لفظی نمی‌کرد و بی‌پرده و ساده و بی‌تکلف و رها از صورتهای کلیشه‌ای، شعر می‌سرود. وی، شاعری است که اندیشه‌های زیبا و طرحهای عالی انسانی و معنوی را به گونه‌ای مطرح می‌نماید که خواننده با خواندن آن به مطالبی فراوان و به دور از تکرار دست یازد. این سادگی لفظ و خیال در شعر غنچه نرگس و با آفتاب صمیمی، موج می‌زند و گویی افکار و عواطف و احساسات مخاطب را نوازش می‌کند.

۴-۳: بررسی محتوایی شعر غنچه نرگس

سلمان، شعر را با تولد امام زمان (عج) آغاز می‌کند و معتقد است عناصر طبیعت هم با تولد او همراه می‌شوند و جشن می‌گیرند:

«در ضیافت تولدت

خاک در شکوه جنبشی دگر

رَحّتِ زرد خویش را درید

و تکان تازه‌ای به خویش داد...» (هراتی، ۱۳۶۴: ص ۲۴)

در ادامه، بی‌درنگ واژه انتظار را وارد شعر می‌کند، اما جالب آن است که شاعر پس از بیان انتظار

بلافاصله واژه اعتراض را هم در کنار آن می‌نشانند و معترضانه از این که سهم او فقط انتظار باشد، این گونه می‌سراید:

«انتظار، سهم ماست

اعتراض نیز

ما، ظهور نور را به انتظار

با طلوع هر سپیده آه می‌کشیم...» (همان)

پس از آن امام زمان(ع) را دلیل جنبش زمین می‌داند به فجر قسم می‌خورد که تا طلوع عدالت او ظالمان روزگار را از صفحه هستی محو نماید:

«ای دلیل جنبش زمین! قسم به فجر

تا تولد بهار عدل

ظالمان دهر را به دار می‌کشیم...» (همان)

شاید اوج هنر شاعری سلمان، زمانی است که انتظار حضرت مهدی (عج) را به تصویر می‌کشد:

«گوش را به نبض تند خاک می‌دهیم

گام عادلی بزرگ را

منتظر شماره می‌کند...» (همان)

در مصراعهای بعدی، شاعر مستقیماً امام عصر(ع) را مورد خطاب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد به انتظار پایان دهد:

«لیک چو غنچه‌ای صبور

بسته مانده‌ای

رسم غنچه نیست بسته ماندن...» (همان)

معتقد است همه دنیا، منتظر او هستند و با تعبیری بسیار زیبا، حضرت مهدی(عج) را غنچه‌ای می‌داند که همه گل شدن این غنچه را انتظار می‌کشند:

«ما ظهور عطر را ز غنچه تا به گل شدن

انتظار می‌کشیم

خاک تشنه است و ما از این کویر

خندقی به سمت جویبار می‌کشیم...»

و با استفاده از یک نماد مادی و ملموس - چپر - تصویری شاعرانه و در عین حال قابل درک، خلق می‌نماید:

«یک چپر میان ماست

پشت آن چپر که تا خداست

با فرشته‌ها به گفتگو نشسته‌ای...» (همان)

سلمان، معتقد است حضرت مهدی(عج) محرک همه عناصر طبیعی است و همه جهان خود را با او،

هماهنگ می‌کنند. در شعر او از این امام غایب فردی حاضر را می‌توان حس نمود که غیبت او چندان محسوس نیست و انگار میان مردم در حال زندگی است و در همین نزدیکی و در همسایگی سلمان خانه دارد: «ایستاده‌ای بلند

روشنان ماهتاب را نظاره می‌کنی
با تو آسمان تولدی دوباره یافت
پیشوای کاروان عشق! (همان)

۵- نمود نوستالوژی آینده‌گرا و انتظار در اشعار سلمان هراتی

۵-۱: نوستالوژی آینده‌گرا و انتظار در فرهنگ عاشورایی

بی‌گمان یکی از بزرگ‌ترین شاعران امروز و پس از انقلاب که به مسائل انقلاب و ارزشهای معنوی علوی و شیعی پرداخت، سلمان هراتی است. وی، یک شاعر انقلابی است و اندیشه‌هایش را وقف انقلاب کرده است، از این رو نقش ائمه اطهار (ع) به ویژه فرهنگ عاشورایی و امام زمان (عج) را پشتوانه بزرگ انقلاب می‌داندست و این گونه در شعر بسیار زیبایی با آفتاب صمیمی می‌سراید:

«او همین جاست همین جا/ نه در خیال مبهم جابلسا/ و نه در جزیره خضرا/ و نه هیچ کجای دور از دست/ من او را می‌بینم/ هر سال عاشورا/ در مسجد بی‌سقف آبادی/ با برادرانم عزاداری می‌کند...» (هراتی، ۱۳۸۰ش: ص ۵۳).

۵-۲: نوستالوژی انتظار در فرهنگ روستایی

از آن‌جا که مردم تبرستان، علاقه‌ای خاص به امامان شیعه دارند و ائمه اطهار (ع) را در تمام امور زندگی خود حاضر و ناظر می‌بینند و سلمان نیز در چنین محیط بکر و ساده روستایی رشد و نمو یافت، با تحت تأثیر قرار گرفتن از فرهنگ عامه به تصویرسازی فرهنگ انتظار در میان مردم روستایش پرداخت. «او را پشت غروب‌های روستا دیدم/ همراه مردان بیدار/ مردان مزرعه و کار/ وقتی که «بالو» بر دوش/ از ابتدای آفتاب برمی‌گشتند/ او را بر بوریای محقر مردم دیدم/ او را در میدان شوش در کوره‌پزخانه دیدم... او را به جاهای ناشناخته نسبت ندهیم، انصاف نیست/ مگر قرار نیست او نقش رنج‌ها را/ از آرنج‌مان پاک کند/ و در سایه استراحت/ آرامش را بین ما تقسیم کند/ وقتی مردم ده ما/ برای آبیاری مزرعه‌ها/ به مرمت نهرهای قدیمی می‌رفتند/ او کنار تنور داغ/ با «سیب گل» و «فاطمه» نان می‌پزد.» (همان).

۵-۳: نوستالوژی فرهنگ انتظار در جبهه و دفاع مقدس

سلمان، پیروزیهای متعدّد سربازان امام زمان (عج) در جبهه‌های جنگ تحمیلی عراقی علیه ایران را ناشی از همراهی و کمکهای آن حضرت می‌داند و چنین می‌سراید: «برای بچه‌های جبهه/ او در جبهه هست/ با بچه‌ها فشنگ خالی می‌کند/ و صلوات می‌فرستد/ او همه جا هست.» (همان).

۵-۴: نوستالوژی آینده‌گرا و فرهنگ انتظار در میان مردم عامه

سلمان با بحث حضور امام زمان (عج) در میان مردم و درد دل با آنان تعریضی بر مسؤولانی دارد که به مردم توجه نمی‌کنند. وی با بیان این موضوع، بررسی و حل مشکلات مردم را به ایشان گوشزد می‌کند: «در اتوبوس کنار مردم می‌نشیند/ با مردم درد دل می‌کند/ و هر کس که وارد اتوبوس می‌شود/ از جایش برمی‌خیزد/ و به او تعارف می‌کند/ و لبخند فروتنش را به همه می‌بخشد/ او کار می‌کند، کار، کار/ و عرق پیشانی‌اش را/ با منحنی مهربان انگشت نشانه پاک می‌کند... در روزهای یخبندان/ سرما از درز گیوه پاره‌اش/ وارد تنش می‌شود/ و او به جای همه ما از سرما می‌لرزد/ او با ما از سرما می‌لرزد.» (همان).

۵-۵: نوستالوژی انتظار و ساده‌زیستی

سلمان، شاعری ساده‌زیست و بی‌توجه به زرق و برق تجملات زندگی است و این ساده‌زیستی به تأسی از زندگی ائمه اطهار می‌باشد. وی، ساده زندگی کردن امام زمان (عج) را این گونه توصیف می‌کند: «او بیشتر پیاده راه می‌رود/ اتومبیل ندارد/ کفش‌هایش را خودش پینه می‌زند/ او ساده زندگی می‌کند/ و ساده دیگر، کسی است که مثل او/ هنوز هم/ نخل‌های کوفه عظمتش را حفظ کرده‌اند.» (همان).

۵-۶: فرهنگ انتظار در انقلاب و شهادت

فرهنگ انتظار و شهادت و ایثارگری، یکی از کهن‌الگوها و تصویرسازیهای بسیار زیبای سلمان در اشعارش به‌شمار می‌آید. وی به مانند تمامی شیعیان راستین چشم به ظهور امام خویش دوخته است و در این انتظار، تصاویری از امام (عج) ارائه می‌دهد که یادآور دلبستگی او به شهیدان و خانواده آنها و گام برداشتن در مسیر انقلاب و ارزشهای انقلابی و زندگی به شیوه محرومان و مستضعفان است و در این باره می‌سراید: «او از خانواده شهداست/ شب‌های جمعه به بهشت زهرا می‌رود/ و روی قبر شهدا گلاب می‌پاشد/... باور کنید فقیرترین آدم روی زمین/ از او ثروتمندتر است/ او به جز یک روح معصوم/ او به جز یک دل مظلوم هیچ ندارد/ و خانه خلاصه او نه شفاژ دارد نه شومینه/ او هم مثل خیلی‌ها از گرانی، از تورم/ از کمبود رنج می‌برد/ او دلش برای انقلاب می‌سوزد/ و از آدم‌های فرصت‌طلب بدش می‌آید/ و از آدم‌های متظاهر متنفر است/ و ما را در شعار/ جنگ جنگ تا پیروزی یاری می‌دهد/ او خیلی خوبست/ او همه جا هست.» (همان).

۵-۷: نوستالوژی انتظار در میان ملل ستمدیده جهان

سلمان، شاعری است که جهانی می‌اندیشد و دغدغه امت اسلامی را دارد. او، معتقد است دل امام زمان (عج) برای مردم آزادیخواه جهان می‌سوزد، به این دلیل در افغانستان و تشییع جنازه مالکم ایکس و در جنگ مردم آفریقا با استعمار و در مصر مبارزه انقلابی خالد اسلامبولی و در میان آوارگان فلسطینی حضور دارد و با استعمارگران مبارزه می‌کند و این چنین می‌سراید: «برادرانم در افغانستان با حضور او دیالکتیک را سر بردند/ و عشق را برگزیدند/ او در تشییع جنازه «مالکم ایکس» شرکت کرد/ و خطابه اعتراض را/ در سایه مقدس

درخت «بائوباب» برای سیاهان ایراد کرد/ سیاهان او را می‌شناسند/ آخر او وقتی می‌بیند/ آفریقا هنوز حق ندارد به مدرسه برود/ دلتنگ می‌شود... چندی پیش یک شاخه گل سرخ/ بر مزار «خالد اسامبولی» کاشت/ و گام‌های داغش را چنان در کوچه‌های یخ زده مصر کوبید/ که حرارت آن تا دوردست‌های خاورمیانه را/ متفکر کرد... در اردوگاه‌های فلسطین حضور دارد/ و خیمه‌ها را می‌نگرد/ که انفجار صدها مشت را/ در خود مخفی کرده‌اند/ خیمه‌ها او را یاد آب و التهاب می‌اندازند/ و بلا تکلیفی رقیه را تداعی می‌کنند/ خیمه یعنی آفتاب را کشتند/ خیمه یعنی خاک داریم خانه نداریم/ خدا کند ما را تنها نگذارد.» (همان).

۵-۸: نوستالوژی آینده‌گرا و مسأله موعود

این نکته قابل قبول است که در تمامی ادیان بشری، مسأله انتظار و موعود، همواره مورد بحث است و در همه ادیان (بودایی، برهمنی، زردشتی، یهودی، مسیحی و اسلام)، این مسأله نفی نشده تا جایی که پیروان مسیح معتقدند حضرت مهدی (عج) و مسیح (ع) با هم ظهور خواهند کرد: «او خیلی مهربان است/ وقتی «بابی ساندز» را خودکشی کردند!... او به دیدن مسیح رفت/ و ما را با خود تا مرز مهربانی برد/ باور کنید اگر او یک روز/ خودش را از ما دریغ کند/ تاریک می‌شویم.» (همان).

۵-۹: انتظار و مهربانی صمیمیت

سلمان در اکثر اشعارش از امام به عنوان مظهر سادگی، مهربانی، روشنائی و یادگار پیامبر (ص) یاد می‌کند و ایشان را نشانی از فرهنگ علوی و عاشورایی و نقطه امید مردم مظلوم و به ویژه برای شیعیان یاد می‌کند و این گونه می‌سراید: «و گرنه امیدی به گشودن پنجره بعدی نیست/ او یعنی روشنائی یعنی خوبی/ او خیلی خوب است/ خوب و صمیمی و ساده و مهربان/ من می‌گویم تو می‌شنوی/ او خیلی مهربان است/ او مثل آسمان است/ او در بوی گل محمدی پنهان است.» (همان).

۵-۱۰: بررسی ساختار و محتوای اشعار

اشعاری که در نمونه‌ها و مصادیق نمود نوستالوژی آینده‌گرا از این شاعر ارائه گردید، از دو چشم انداز قابل بررسی است. نخست از جهت ساختار، واحد شعر او همانند همه اشعار نو، بند و تمامی بندها در راستای طرح یک موضوع است و به اصطلاح محور عمودی شعر بسیار دقیق و استوار می‌باشد و از موضوعات فرعی و جانبی در آن خبری نیست. از زبانی ساده و بی‌پیرایه برخوردار است و از نظر ادبی روان و قابل فهم می‌باشند. شعر و شاعر چنان در هم تنیده گشته‌اند که نمی‌توان آنها را از هم جدا نمود. به خاطر همین یگانگی است که از صنعت‌های ادبی با تسلط و به‌جا استفاده می‌کند و از هیچ آرایه ادبی با هدف سوق دادن ذهن مخاطب به شعریت اشعار و در حقیقت اغوا و فریب او بهره نمی‌برد. تصویرسازیهای ساده و ملموس، تشبیهات، استعاره‌ها و کنایه‌هایی که ریشه در فرهنگ دینی و اجتماعی مردم دارد، به شاعر این امکان و فرصت را می‌دهد تا غم غربت و دوری از امام عصر (عج) و نوستالوژی ظهور او را در نمودهای عینی و واقعی و حاضر در زندگی روزمره منتظران، تجسم بخشد و به لحاظ محتوایی، نمود نوستالوژی آینده‌گرا و

انتظار در اشعار هراتی بر این بُن‌مایه و استدلال استوار است که اصولاً شاخصهای مطرح، همچون «عدالت جهانی»، «صلح جهانی»، «امنیت همگانی»، «رفاه عمومی»، «رشد و بلوغ فکری»، «تعالی و کرامت انسانی» و... اصول و آرمانهای گم‌شده‌ای است که همواره وجدان‌های بشری در جستجوی آنها می‌باشند. به راستی کدامین انسان را می‌توان یافت که تشنهٔ عدالت و امنیت نباشد یا آرزوی رفاه و آسایش را در دل نپروراند یا در پی رشد و بالندگی نباشد یا به ترقی و کمال و سعادت، عشق نورزد؟ به همین دلیل در شرایط مساعد فکری، خرد جمعی نمی‌تواند به گزینش آنچه با سرنوشت حال و آیندهٔ انسانها تعلق دارد، دغدغه‌مند نباشد. همچنین با بررسی و تحلیل اشعار هراتی، خصوصیات و ویژگیهای زیر در ارتباط با نوستالوژی فرهنگ انتظار و امام زمان (عج) دیده می‌شود:

- درک و شناخت امام و نیاز مبرم به او و درک حق ولایت او.
- پذیرش ولایت و سرپرستی و حاکمیت و پیشوایی امام و پیروی از او.
- شناخت و اطاعت از نایب امام (ع) و قیام علیه ستم و تلاش در راه استقرار نظام اسلامی.
- اهمیت و قداست شهدا و خانواده‌های آنها.
- حمایت از فلسطین و دیگر جنبشهای آزادی‌بخش جهان.
- گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه.
- ساده‌زیستی و مهربانی و صمیمی بودن با مردم.
- احترام به ادیان بزرگ و الهی جهان (عیسی مسیح).
- نفی مادی‌گری و سرمایه‌داری و تبعیض نژادی.
- اهمیت به فرهنگ عاشورایی و اندیشه‌های مبارزاتی حضرت زینب و امام سجاد (ع) در رویاروییهای فرهنگی و اجتماعی.
- معرفی و تبیین ویژگی و برتریهای اندیشهٔ مهدویت در مقایسه با دیگر نظریات.

نتیجه‌گیری

اشعار مطرح‌شده سلمان هراتی، دربرگیرنده موضوعاتی است که توجه کافی به آنها در عصر جهانی شدن، زمینه را برای جهانی‌سازی و درک اندیشه نجات‌بخش مهدویت هموار می‌کند. آنچه ضرورت دارد، این است که اولاً، مبانی و اصالت این تفکر، بازشناسی و تبیین شود. ثانیاً، ابعاد، جامعیت و جذابیت اندیشه ظهور منجی در تفکر شیعی و در اشعار شاعران معاصر از قبیل سلمان هراتی برای جهانیان و شیعیان معرفی گردد. شناسایی عنصر رهبری (منجی موعود) و لزوم مدیریت معصومانه جامعه بشری، مهم‌ترین شاخصه اندیشه ظهور منجی است، به همین دلیل، تا زمانی که بشر معاصر، خسارات جبران‌ناپذیر خلأ حضور رهبری الهی از صحنه تصمیم‌گیری را درک نکند و عمیقاً به این باور نرسد، هیچ راهبرد سعادت‌آفرین دیگری را فراروی خود نخواهد یافت. در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد، عملیاتی کردن اندیشه نوستالوژی فرهنگ انتظار و بحث «ظهور» و طرح جهانی این ایده مبنی بر ضرورت شکل‌گیری «حکومت عدل جهانی مهدوی» در جایگاه اساسی‌ترین نیاز انسان معاصر، می‌تواند پاسخگوی خلأ کنونی باشد، زیرا قرار دادن این طرح در مدار گفتمان جهانی از زبان شعر، زمینه‌های فکری ضرورت چنین تبدیلی را در اذهان پدید خواهد آورد و انظار عمومی را از اندیشه‌های متزلزل و نامتوازن به سوی یک اندیشه عقلانی، فطری و جامع‌نگر، سوق خواهد داد. بدون شک اگر این تفکر الهی با روشهای کارشناسانه و علمی در اختیار انسانهای تشنه حقیقت، قرار داده شود، خرد جمعی انسانهای پاک‌اندیش را به سوی خود معطوف خواهد کرد و تأثیرات عمیق و ثمربخشی را به دنبال خواهد داشت و می‌تواند در آینده جهان اسلام و شیعیان، نقش به‌سزایی را ایفا نماید.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، (۱۳۸۶ش)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ هشتم، انتشارات تلاوت، تهران.
- ۲- آشوری، داریوش (۱۳۸۰ش)، شعر و اندیشه، چاپ سوم، نشر مرکز، تهران.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۸۷ش)، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه منصور پهلوان، نشر مسجد مقدس جمکران، قم.
- ۴- احمدی، مریم (۱۳۸۹ش)، بررسی و تبیین مفهوم نوستالوژی در اشعار نیما یوشیج، مجموعه مقالات نیما و میراث نو، نشر دانشگاه مازندران، بابلسر.
- ۵- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۶۹ش)، آخر شاهنامه، چاپ نهم، نشر مروارید، تهران.
- ۶- اسوار، موسی (۱۳۸۱ش)، از سرود باران تا مزامیر گل سرخ، چاپ اول، نشر سخن، تهران.
- ۷- اصیل، حجت الله (۱۳۸۱ش)، آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، نشر چشمه، تهران.
- ۸- اعتصامی، پروین (۱۳۶۹ش)، دیوان اشعار، با مقدمه استاد بهار، نشر ایران زمین، تهران.
- ۹- اعتمادیان، محمدرضا (۱۳۶۱ش)، فرهنگ جامع فرانسه فارسی، انتشارات کمانگیر، تهران.
- ۱۰- اکبری، منوچهر (۱۳۸۶ش)، مجموعه مقالات نکوداشت پروین اعتصامی، نشر خانه کتاب، تهران.
- ۱۱- امین‌پور، قیصر (۱۳۵۸ش)، شعر و کودکی، نشر مروارید، تهران.
- ۱۲- _____، (۱۳۸۳ش)، سنت و نوآوری در شعر معاصر، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۱۳- _____، (۱۳۸۶ش)، دستور زبان عشق، نشر مروارید، تهران.
- ۱۴- انوشه، حسن (۱۳۷۶ش)، فرهنگ‌نامه ادب فارسی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۱۵- براهنی، رضا (۱۳۷۱ش)، طلا در مس، نویسنده، تهران.
- ۱۶- بیابانکی، سعید (۱۳۸۳ش)، آخرین سپیده (مجموعه شعر در ستایش حضرت مهدی (عج)، به کوشش امیرمسعود طاهریان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- ۱۷- پیامی، بهناز، نوستالوژی در دیوان رودکی، سایت atiban.com.
- ۱۸- جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل بن حماد (۱۲۷۰ ق)، صحاح اللغة، با تصحیح و مقابله شیخ جعفر و دیگران، بی‌ناشر، تبریز.
- ۱۹- حرّانی، علی بن الحسین بن شعبة (۱۳۸۴ش)، تحف العقول، انتشارات کتابفروشی اسلامی، تهران.
- ۲۰- حسینی، صالح (۱۳۸۰ش)، فرهنگ برابره‌های ادبی، نشر نیلوفر، تهران.
- ۲۱- دزفولیان، کاظم و همکاران (۱۳۸۸ش)، نقد روانکاوی بر شعر «هملت» شاملو، مجله ادب پژوهشی، شماره نهم، نشر دانشگاه بیرجند، بیرجند.
- ۲۲- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۳ش)، نگاهی به مهدی اخوان ثالث، نشر مروارید، تهران.
- ۲۳- دل میستروس، د. ب. ن (۱۳۵۸ش)، فرهنگ فارسی - ایتالیایی، چاپ دوم، نشر بهمن، تهران.
- ۲۴- دهباشی، علی (۱۳۷۰ش)، یادنامه پروین، انتشارات دنیای مدرن، تهران.
- ۲۵- زبیدی، مرتضی، (۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، دارالفکر، بیروت.
- ۲۶- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۸ش)، آشنایی با نقد ادبی، چاپ هشتم، نشر سخن، تهران.
- ۲۷- _____، (۱۳۷۲ش)، با کاروان حله، چاپ هفتم، نشر علمی، تهران.
- ۲۸- سیّدحسینی، سیّدرضا (۱۳۸۴ش)، مکتبهای ادبی، انتشارات نگاه، تهران.

- ۲۹- شاملو، سعید (۱۳۷۵ش)، آسیب‌شناسی روانی، چاپ ششم، انتشارات رشد، تهران.
- ۳۰- شریفیان، مهدی (۱۳۸۷ش)، بررسی فرایند نوستالوژی در اشعار اخوان ثالث، مجموعه مقالات ادبیات معاصر، سفر در آینده، به کوشش عباسعلی وفایی، نشر سخن، تهران.
- ۳۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶ش)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ سوم، نشر آگاه، تهران.
- ۳۲- _____، _____ (۱۳۸۶ش)، زمینه اجتماعی شعر فارسی، نشر اختران - زمانه، تهران.
- ۳۳- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸ش)، راهنمای ادبیات معاصر، چاپ اول، نشر میترا، تهران.
- ۳۴- _____، _____ (۱۳۸۷ش)، انواع ادبی، چاپ اول، نشر میترا، تهران.
- ۳۵- _____، _____ (۱۳۷۱ش)، فرهنگ تلمیحات، چاپ سوم، انتشارات فردوسی، تهران.
- ۳۶- _____، _____ (۱۳۸۰ش)، سبک‌شناسی شعر، انتشارات فردوسی، تهران.
- ۳۷- شهریار، محمدحسین (۱۳۸۶ش)، دیوان اشعار، انتشارات نگاه، تهران.
- ۳۸- صناعی، محمود (۱۳۴۸ش)، فردوسی: استاد تراژدی، سال ۲۲، شماره ۳، مجله یغما.
- ۳۹- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ش)، الغیبة، ترجمه عبدالله امین پور، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم.
- ۴۰- علوی مقدم، مهیار و پورشهرام، سوسن (۱۳۸۹ش)، نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشتر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد، مجله دانشگاه اصفهان، شماره ۲، اصفهان.
- ۴۱- غیائی، محمدتقی (۱۳۸۲ش)، نقد روان‌شناختی متن ادبی، نشر نگاه، تهران.
- ۴۲- فتوحی، محمود (۱۳۸۵ش)، بلاغت تصویر، نشر سخن، تهران.
- ۴۳- فرخزاد، فروغ (۱۳۸۱ش)، دیوان اشعار، چاپ سوم، انتشارات بل، تهران.
- ۴۴- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۸۶ش)، شرح مثنوی شریف، چاپ دوازدهم، نشر زوار، تهران.
- ۴۵- فلمار، کلاوس برند (۱۳۷۶ش)، رنگ و طبیعت شفابخش آن، ترجمه شهناز آذرنبوش، نشر ققنوس، تهران.
- ۴۶- کالینکوس، الک (۱۳۸۲ش)، نقد پست مدرنیسم، ترجمه اعظم فرهادی، نشر نیکا، تهران.
- ۴۷- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۴۸- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۵ش)، اختر چرخ ادب، (کتاب همشهری)، انتشارات همشهری، تهران.
- ۴۹- نفیسی، سعید (۱۳۷۱ش)، فرهنگ فرانسه - فارسی، انتشارات صفی علیشاه، تهران.
- ۵۰- ولک و آوستن، رنه و وارون (۱۳۷۳ش)، نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، نشر علمی، تهران.
- ۵۱- ویتگنشتاین، لودویگ (۱۳۷۹ش)، درباره رنگها، ترجمه لیلی گلستان، نشر مرکز، تهران.
- ۵۲- هراتی، سلمان (۱۳۸۰ش)، مجموعه کامل اشعار سلمان هراتی، دفتر شعر جوان، تهران.
- ۵۳- _____، _____ (۱۳۶۴ش)، از آسمان سبز، انتشارات حوزه هنری، تهران.
- ۵۴- _____، _____ (۱۳۶۷ش)، دری به خانه خورشید، انتشارات سروش، تهران.
- ۵۵- هراتی، محمد (۱۳۷۲ش)، دلی به پاکی بال کبوتر، ماهنامه دبستان، تهران.
- ۵۶- یآوری، حورا (۱۳۷۴ش)، روانکاو و ادبیات، نشر تاریخ ایران، تهران.
- ۵۷- یوشیچ، نیما (۱۳۸۱ش)، مجموعه کامل اشعار نیما یوشیچ، چاپ اول، نشر نگاه، تهران.
- ۵۸- یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۳ش)، چشمه روشن، چاپ ششم، انتشارات علمی، تهران.
- ۵۹- یونگ گوستاو و ژوزف هندسن، (۱۳۸۶ش)، انسان و اسطوره‌هایش، ترجمه حسن اکبریان طبری، چاپ دوم، نشر دایره، تهران.

